



بررسی جنبه‌های کمتر شناخته شده از شخصیت امیرعلیشیرنوایی

ابوالفضل حسن آبادی^۱

چکیده

در این مقاله به بررسی جنبه‌هایی از شخصیت سیاسی و اجتماعی امیرعلیشیرنوایی پرداخته می‌شود که کمتر مورد توجه محققان قرار گرفته است.

هدف: هدف اصلی از نگارش این مقاله بررسی انتقادی منابع به نگارش درآمده درباره امیرعلیشیرنوایی و تحلیل روش و عملکرد سیاسی و اجتماعی او می‌باشد.

روش و رویکرد پژوهش: روش پژوهش کتابخانه‌ای بوده و با استفاده از منابع در دسترس مانند منشآت تاریخی سعی خواهد شد تا حتی الامکان برخی از نکات ناشناخته درباره وی برجسته گردد.

یافته‌ها و نتایج پژوهش: یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که برخی از موضوعات مانند محتوای منشآت هم عصر امیرعلیشیرنوایی، وقفنامه و تاثیر اقدامات اجتماعی وی مانند وقف مجتمع اخلاصیه چنانچه باید مورد توجه شایسته قرار نگرفته است.

کلیدواژه‌ها: امیرعلیشیرنوایی، خراسان، پژوهش‌های تاریخی، تیموریان

مقدمه

امیرعلیشیرنوایی در زمره شخصیت‌هایی محسوب می‌شود که زندگی آن‌ها از جنبه‌های مختلف قابل بررسی است. این امر باعث می‌شود که گاهی ابعادی از زندگی وی با توجه به موقعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و دوره زمانی در ذیل قسمت دیگری کمتری یا بیشتر مورد توجه قرار گیرد. مهم‌ترین هدف این نوشتار، پرداختن به جنبه‌هایی از شخصیت وی

۱. دکترای تاریخ محلی، مدیر امور اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی

ahasabadiy1@gmail.com



است که کمتر مورد پژوهش قرار گرفته است. در این بررسی با طرح مباحثی مانند جایگاه سیاسی امیرعلیشیر و نقش او در حکومت سلطان حسین بایقرا، میزان تأثیرگذاری او بر وقایع تاریخی دوره خود، شخصیت محلی منطقه‌ای و بین‌المللی امیرعلیشیر و تأثیر آن بر تاریخ فرهنگی خراسان، نکاتی پیرامون موقوفات وی و تحلیلی از پژوهش‌های صورت گرفته درباره امیرعلیشیر، سعی می‌گردد تا زمینه‌های پژوهشی جدید و نکات تازه‌ای در این موضوع مطرح گردد. از ویژگی‌های این پژوهش می‌توان به بررسی انتقادی منابع تاریخی که به نوعی به زندگی امیرعلیشیر پرداخته‌اند، استفاده از محتوای منشآت و بررسی وقف‌نامه وی اشاره نمود. نگاه تحلیلی به همراه مطرح کردن عرصه‌های جدیدی فکری در این مقاله می‌تواند مورد استفاده خراسان پژوهان قرار گیرد.

تحلیلی بر منابع تاریخ‌نگاری و پژوهش‌های انجام شده درباره امیرعلیشیر نوایی

در میان رجال بزرگ در خراسان بزرگ در دوره‌های مختلف تاریخی، کمتر کسی به اندازه امیرعلیشیر مورد توجه نویسندگان هم عصر خود قرار گرفته است. هرچند امیرعلیشیر در زمره رجال مهم دربار سلطان حسین بایقرا محسوب می‌شده، اما با توجه به روحیات خود کمتر در کانون قدرت درگیر بوده است و نگاه نویسندگان به او نه از روی طمع به مال و قدرت سیاسی، بلکه بیشتر به خاطر ارادت به وی بوده است.

خواندمیر را باید تاریخ‌نگار اختصاصی امیرعلیشیر نامید. علی‌رغم آن‌که در زمان مرگ وی ۲۶ سال بیشتر نداشته و با توجه به مشکلات سیاسی و خروج امیرعلیشیر از هرات مدت زمان زیادی با وی نبوده است، اما میزان پرداختن به شخصیت امیرعلیشیر در این مدت نه چندان زیاد حاکی از ارادت زیاد اوست. در میان تاریخ‌نگاران نامی، کمتر به فردی برخورد می‌شود که دو کتاب درباره کسی نوشته و در سایر کتاب‌ها نیز به دفعات از او یاد نموده باشد. در کتاب *مآثر الملوک* (خواندمیر، ۱۳۷۲) و *مکارم الاخلاق* (خواندمیر، ۱۳۷۸) بیشترین اطلاعات درباره امیرعلیشیر آمده و در *حبیب‌السییر* (خواندمیر، ۱۳۸۰) و *دستورالوزراء* (خواندمیر، ۱۳۱۷) نیز اشاراتی به برخی از عملکردهای سیاسی و فرهنگی وی کرده است. بیشتر محققانی که درباره شخصیت سیاسی، اداری و فرهنگی امیرعلیشیر به پژوهش پرداخته‌اند بدون استثنا بیشترین استفاده را از کتاب‌های خواندمیر نموده‌اند و خصوصاً درباره شخصیت حکومتی و سیاسی امیرعلیشیر و روابط او با صاحبان قدرت در عصر خود که به گفته سابتلنی مسئله‌ای

غامض می‌باشد؛ آثار وی مهمترین منابع در دسترس می‌باشد (سابتلنی، ۱۳۹۵). علاوه بر آن در تذکره الشعراء (دولت‌شاه سمرقندی، ۱۳۳۷) مطلع السعدین و مجمع البحرین (سمرقندی، ۱۳۷۲) و تحفه سامی (صفوی، ۱۳۸۴) نیز به شخصیت سیاسی و اجتماعی وی پرداخته شده است. پژوهشگران دوره معاصر در ایران کمتر به امیر علیشیر توجه نموده‌اند. مقدمه علی اصغر حکمت در کتاب مجالس النفایس (خواندمیر، ۱۳۶۳: بی‌تا) و رکن الدین همایون فرخ در دیوان امیر علیشیرنویبی (نویبی، ۱۳۷۵: ۶۵-۱۲) علی‌رغم مدت زمان گذشته بر آن هنوز هم از مهم‌ترین منابع است. پایان‌نامه دکترای ادبیات خانم صغری بانوشکفته علی‌رغم رویکرد ادبی و ضعف در تحلیل‌های تاریخی از اهمیت اطلاعاتی برخوردار است (شکفته، ۱۳۸۷). در بین کتاب‌ها، اثر نعمتی لیمایی تحت عنوان بررسی زندگی سیاسی و واکاوی کارنامه علمی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی امیر علیشیرنویبی (نعمتی لیمایی: ۱۳۹۳) از جامعیت برخوردار می‌باشد. لیمایی در این کتاب سعی نموده با استفاده از منابع مختلف خارجی و معدود مقالات داخلی تصویر کلی از زندگی امیر علیشیر ارائه دهد که البته بر محتوای علمی آثار و دیدگاه‌های وی تأکید بیشتری شده است. مهمترین اثر درخور درباره امیر علیشیر تحت عنوان امیر علیشیرنویبی و روزگار او ترجمه مقالات خانم سابتلنی درباره امیر علیشیر است که اطلاعات باارزش درباره مجتبع اخلاصیه و روابط قدرت دارد (سابتلنی، ۱۳۹۵). اخیراً تعدادی از منشآت نویبی تحت عنوان منشآت امیر علیشیرنویبی به کوشش خانم محمددادی در قالب جمع‌آوری ۱۳ نامه از منشآت پراکنده نگاشته شده که کامل نیست و صرفاً بازنویسی بدون تحلیل محتوایی می‌باشد (محمددادی، ۱۳۹۶).

در زمینه مقالات، چند مقاله داخلی مانند حکمت (۱۳۲۷)، شریف (۱۳۷۶) فرهانی منفرد (۱۳۸۱) و محمدزاده و حسینی (۱۳۸۹) و خارجی مانند بلین (Belin, 1861)، بارتولد (bar-thold, 1928) و سابتلنی (Subtelny, 1991) درباره وقفنامه اخلاصیه و ولی طوغان (ولی طوغان، ۱۳۷۷) و در بین همایش‌ها نیز مجموعه سخنرانی‌های همایش بین‌المللی امیر علیشیرنویبی در سال ۱۳۹۴ در مشهد دارای برخی نکات نو درباره وی هستند.

چگونگی و نحوه ارتباط امیر علیشیر با خراسان خیلی کم مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به گرایش‌های پژوهشگران در آسیای میانه و ترکیه طبیعی است که آن‌ها تمایل چندانی به بزرگ کردن این موضوع نداشته و در ایران نیز توجهی به آن نشده است. در این میان به نظر می‌رسد که برخی پژوهش‌های انجام شده در داخل و خارج از کشور درباره امیر علیشیر تحت

تأثیر مورخانی که درباره او در همان دوره اظهار نظر نموده‌اند قرار گرفته تا استفاده از منابع خام آن دوره و جا دارد تا منشآت این دوره درباره سیاست‌های امیرعلیشیر به طور جدی تری مورد توجه قرار گیرد. علاوه بر آن ارزش تاریخی برخی از آثار وی مغفول مانده است، چنانچه اطلاعات موجود در منشآت امیرعلیشیر، تاریخ ملوک عجم و یا محبوب القلوب او مورد تجزیه و تحلیل تاریخی قرار نگرفته است. واقعیت این است که پژوهش‌های صورت گرفته به زبان فارسی تحت تأثیر شخصیت ادبی و هنری او قرار گرفته است و کمتر چگونگی و چرایی فکری او از میان آثارش مدّ نظر محققان بوده است.

جایگاه سیاسی امیرعلیشیر در دربار سلطان حسین بایقرا

در تقابل بین شخصیت سیاسی و اجتماعی افراد، معمولاً نقش سیاسی آن‌ها پررنگ‌تر می‌نماید، اما امیرعلیشیر در زمره معدود افرادی است که شخصیت و موقعیت سیاسی وی تحت تأثیر شخصیت فردی و جایگاه اجتماعی‌اش قرار گرفته است. چرایی این مسأله علی‌رغم اشارات مختصر در منبع آن دوره و پژوهش‌های صورت گرفته، چنانچه باید مورد توجه واقع نشده است. آیا اهمیت دوره سیاسی سلطان حسین بایقرا چندان برجسته نبوده است؟ آیا میزان علاقه‌مندی او به مشاغل سیاسی کم بوده است؟ آیا جایگاه سیاسی او به اندازه شخصیت اجتماعی‌اش نبوده است؟ بررسی منابع نشان می‌دهد به اندازه‌ای که راجع به شخصیت اجتماعی و مسائل فرهنگی وی اطلاعاتی آمده، به همان نسبت درباره نقش سیاسی‌اش کمتر کار شده است. این مسأله هم به مورخان زمان وی و هم پژوهشگران زمان حال برمی‌گردد که علاقه کمتری در این مورد داشته‌اند. شاید این مسأله به علائق شخصی پژوهشگران این دوره برمی‌گردد که دوست دارند تا امیرعلیشیر را نه یکی رجل سیاسی درگیر در سیاست بلکه فردی شاعر و فرهنگی ببینند.

از بررسی مسائل سیاسی زمان او چند نکته مهم مستفاد می‌شود:

امیرعلیشیر از همه پست‌های سیاسی که در اختیار وی بوده، استعفا داده است و همیشه بعد از این استعفا شغل بالاتری به او واگذار شده است. در سال ۸۷۶ ق. بعد از استعفا از شغل مهرداری به منصب دیوان بیگی رسید. در سال ۸۸۱ ق. از کلیه مناصب خود استعفا و به سلک نقشبندیه درآمد. این کناره‌گیری منجر به عدم دخالت او در امور سیاسی نشده است، چنانچه چند بار به عنوان جانشین شاه یا نماینده وی در هرات بوده است. میانجی‌گری او بین

بدیع‌الزمان و سلطان حسین بایقرا در سال ۹۰۴ ق.، (خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۴: ۲۰۸) رفتنش به بلخ، اختلاف او با مجدالدین محمد خوافی و نظام‌الملک که در نهایت منجر به کشته شدن آن دو گردید، از درگیری‌های سیاسی وی بوده است. رفتن علیشیر به استرآباد در سال ۸۹۳ ق. که یکی از دلایل آن اختلاف با مجدالدین محمد خوافی ذکر شده، نشان می‌دهد که جایگاه سیاسی وی علی‌رغم کناره‌گیری، تضعیف نشده است (خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۴: ۱۷۹) و از طریق برادر خود درویش علی بیگ یا نزدیکان مانند حیدر عزیز در امور مداخله داشته و در صورت لزوم توصیه‌هایی نیز به شاه می‌نموده است. بررسی منشآت هم‌دوره او مانند منشاء‌الانشاء، منشآت خواجه عبدالله مروارید، منشآت اسفزاری و منشآت شرف نشان می‌دهد که به لحاظ ظاهری علی‌رغم اهمیت جایگاه او در دربار، حضور کمی در مسائل سیاسی داشته است و در این منشآت که توسط منشیانی نوشته شده که ارتباط خوبی با علیشیر داشته‌اند فرامین زیادی درباره وی نیامده است. باخرزی پنج مطلب را درباره وی آورده است که بیشترین محتوای آورده شده در بین سایر کتابهاست (سند شماره ۲۱ و ۳). در منشآت خواجه عبدالله مروارید که ارتباط بسیار نزدیکی با نوایی دارد تنها دو نشان درباره مهمات آستانه انصاریه (مروارید، ۳۵-۳۷) و نشان حج وی آورده شده است (سند شماره ۴)، (مروارید، ۲۶-۲۹).

امیر علیشیر در شمار معدود مردان سیاسی در دربار به شمار می‌رود که بعد از چند دهه مغضوب سلطان خود واقع نشده است چرا؟ به نظر می‌رسد فراست او بیشتر از آن بود که خود را در مقامی مانند خوافی و نظام‌الملک رسانده و در مظان اتهام سلطان قرار دهد. وضعیت اداری دربار که در برخی منابع مختصری به آن پرداخته شده، نشان می‌دهد که موقعیت امیران نظامی مهم‌تر از وزرای اداری بوده است و امیر علیشیر در بهترین حالت نیز بعد از شاه محسوب نمی‌شده است (ولی طوغان، ۱۳۷۷: ۴۳). علاوه بر آن ارتباط بین امیر علیشیر با شاه به آن نحوی که از منابع همان دوره و خصوصاً در آثار خواندمیر آمده، نمی‌باشد و رد پای از کدورت‌ها در ماجرای کشته شدن برادرش درویش علی بیگ و خویشاوندش عزیز حیدر و رفتن اجباری او به استرآباد و یا مساله بدیع‌الزمان فرزند بایقرا دیده می‌شود. امیر علیشیر نوایی را باید مرد پشت‌پرده سیاست در دوره تیموری دانست که قدرت خود را نه به صورت مستقیم بلکه از طریق روابط شخصی و تأثیرگذاری بر شخصیت سلطان حسین بایقرا اعمال می‌کرده است.

با توجه به تعداد کتاب‌های نگاشته شده توسط امیرعلیشیر و شاخصه‌های محتوایی آن‌ها مشخص می‌شود که توجه وی چندان به مسائل سیاسی نبوده و فقط از خلال برخی از آثارش مانند منشآت، تحفة القلوب، تاریخ ملوک عجم، تاریخ انبیا و حتی مجالس النفایس می‌توان در مورد روش‌شناسی سیاسی وی پژوهش‌هایی انجام داد.

روش‌شناسی فکری امیرعلیشیر از خلال وقف‌نامه وی

یکی از نکات جالب درباره امیرعلیشیر، کم‌توجهی پژوهشگران داخلی به وقف‌نامه امیرعلیشیر، علی‌رغم اهمیت وقف‌نامه و جایگاه آن در پژوهش‌های دوره تیموری می‌باشد. چاپ خلاصه‌ای از وقف‌نامه توسط حکمت در مقدمه مجالس النفایس تنها کار انجام شده توسط پژوهشگران داخلی است. در خارج، این وقف‌نامه به طور کامل از متن ترکی جغتایی به زبان عربی و ترکی ترجمه شده، ولی متأسفانه به فارسی در دسترس نمی‌باشد.

مهم‌ترین پژوهش بر روی این وقف‌نامه توسط خانم سابتلنی انجام شده که ابتدا به وضعیت وقف در دوره تیموری اشاره نموده و سپس با پرداختن به «وقف‌نامه اخلاصیه» جنبه‌های مختلف اهمیت آن را به لحاظ کمی و کیفی مورد بررسی قرار داده است. اما او هم متن کامل وقف‌نامه را در مقاله نیاورده است (سابتلنی، ۱۳۹۵: ۹۴-۱۱۸).

سؤال این‌جاست که چرا موقوفات وی علی‌رغم اهمیت چندان مورد توجه قرار نگرفته است؟ اهمیت موقوفات وی نسبت به سایر موقوفات در شهر هرات به چه صورت است؟ آیا اصولاً به لحاظ بزرگی و اهمیت آن در جایگاهی بوده که با بقیه مقایسه گردد؟ یا امیرعلیشیر صرفاً برای انجام کار خیر و باقی گذاشتن یادگاری از خود وقف نموده است؟ چه مقدار برنامه‌ریزی برای انجام وقف وجود داشته است؟

در دوره تیموریان وقف مورد توجه بوده، شاهرخ و سلطان حسین بایقرا خود مدرسه و خانقاه در شهر هرات بنا نمودند. پیدا شدن مرقدی در روستای خواجه خیران و دستور سلطان حسین بایقرا برای ساختن و وقف زمین برای آن نشان‌دهنده علاقه وی می‌باشد (خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۴: ۱۷۲). آماری دقیق از تعداد موقوفات این دوره و عایدات آن‌ها در دسترس نیست تا سنجشی از میزان اهمیت موقوفه علیشیر صورت گیرد، اما در شمار موقوفات اصلی محسوب می‌گردد. از بررسی متن تلخیص شده وقف‌نامه می‌توان به نکات جالبی پی برد که در ادامه بیان می‌گردد:

به نظر می‌رسد موقوفات وی عکس‌العملی درونی نسبت به حس کم‌کاری در احسان به خلق و گرفتاری بیش از حد به امور دیوانی باشد. شروع وقف نامه وی در نوع خود جالب است. معمولاً وقف نامه با تحمیدیه شروع می‌شود، در حالی که وی در شروع از سلطان حسین بایقرا نام برده است و از وی درخواست کرده او را از امور دیوانی معاف دارد تا به کار خلق بپردازد. شاید وی می‌خواست ضمن احترام گذاشتن به شاه، محملی برای انصراف خود از امور دیوانی داشته باشد که مهم‌ترین انگیزه وی از وقف بوده است.

■ موارد وقفی وی متنوع است، از تیمچه و دکان گرفته تا باغ و زمین در زمره موقوفات وی به شمار می‌رود. مساحت موقوفات وی شامل ۳۱۲ هزارمترمربع باغ و ۱۰۰ هزار مترمربع زمین بوده است. گستردگی باغات و زمین نیازمند به مجموعه‌ای برای اداره آن داشته است. ارزش موقوفات او را خانم سابتلنی ۵ میلیون کپک و طی برآوردی هزینه‌ای سالیانه آن را ۷۳ هزار کپک برآورد نموده که هفت درصد کل درآمدهای او در یک سال را شامل می‌شده است (44: Subtelny, 1991). البته میزان موقوفات او در مقابل کارهای خیریه و بناهایی که او در جای دیگر ساخته و ۲۷۰ مورد تخمین زده شده خیلی برجسته نیست و احتمالاً انگیزه اصلی او از وقف فراهم کردن زمینه‌ای برای انجام کار خیر در کنار خانه خود بوده است.

■ توجه او به مجتمع‌سازی و ساخت مدرسه و خانقاه با هم جای بررسی دارد. در این دوره خانقاه و مدارس زیادی در هرات وجود داشته است. توجه به مدرسه به عنوان مکان علمی و خانقاه به عنوان مکان عمومی نشان از جامع‌نگری فکری وی درباره توجه به علم و مردم دارد.

■ امیر علیشیر نگاه ویژه‌ای به علم، رتبه‌بندی دانشجویان، تقسیم درسی، تأکید بر حفظ جایگاه مدارس با در نظر گرفتن ۱۲۰۰ سکه طلا برای حقوق معلمین و حقوق خاص برای متعلمین داشته است. علمای بزرگی در این دوره در مدارس او تدریس می‌کرده‌اند که می‌توان به: مولانا کمال الدین مسعودشیروانی (خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۴: ۳۴۳)، مولانا شهاب (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۲۳۲)، امیر اختیارالدین حسن (همان، ۲۲۰) و امیر برهان الدین عطاالله (همان، ۲۱۸) اشاره نمود. از مدرسین خانقاه نیز می‌توان خواجه عمادالدین عزیز، مشتهر به ملازاده ابهری (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۲۲۵)، مولانا خلیل‌الله (همان، ۲۲۴)، امیر جمال‌الدین عطاالله و امیر صدرالدین مشهدی را نام برد (خواندمیر، ج ۴: ۳۵۲). در مسجد اخلاصیه، مولانا کمال‌الدین حسین واعظ، نماز می‌خواند (همان، ۳۴۵). از شاگردان مدرسه می‌توان به مولانا حاج محمد تبریزی (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۲۲۵) و امیر شمس‌الدین محمد اشاره کرد.

■ ماهیت موقوفات عمومی است و تنوع اماکن وقفی و نیت او نشان می‌دهد که او قصد ایجاد مجموعه‌ای متنوع در کنار منزل خود داشته و سیاست خاصی در تأثیرگذاری وقفی دنبال نمی‌کرده است. مسجد جامع، خانقاه و مدرسه به عنوان محل‌هایی که محل رفت‌وآمد عموم و خواص بوده نشان‌دهنده جامعیت بینش او است.

■ سال وقف مجموعه او در سال ۸۸۶ ق. که مصادف با کناره‌گیری او از کلیه امور دولتی است نشان می‌دهد که او در صدد ایجاد محملی برای پرداختن به امور خیر بوده است. او در سال ۸۸۱ ق. با استفاده از ساخت قطعه زمینی که بایقرا در محل کوشک مرغانه به او اهدا کرده بود، در این منطقه سکنی‌گزید و تا سال ۸۸۶ ق. که وقف نموده، احتمالاً مشغول ساخت و ساز اماکن، بوده است. مدرسه، خانقاه، مسجد و سایر اماکن، حداقل به چند سال زمان برای ساخت نیاز داشته‌اند و او در این مدت هزینه آن را پرداخته است. مشخص نیست که قبل از زمان وقف، اخلاصیه مشغول به فعالیت بوده یا خیر؟ و یا همزمان با وقف اخلاصیه افتتاح شده است؟ اما احتمال دارد که او تا زمان وقف هزینه‌های مجموعه را به صورت شخصی پرداخت می‌کرده و با این وقف نامه زمینه ایجاد یک درآمد باثبات برای موقوفات را فراهم نموده است.

■ با توجه به عدم ترجمه کامل وقف نامه به فارسی، درباره نحوه اداره موقوفات در زمان حیات اطلاعات چندانی نیست. همین قدر مشخص است که تولیت آن را خود به عهده گرفته است. با توجه به این که چند بار مجبور به خروج از دولت (بین سال‌های ۸۹۳ تا ۹۰۶ ق. در زمان فوت) شده است، نحوه اداره موقوفه دقیقاً در منابع ذکر نشده است، اما بر طبق آثارهای سابتنلی در موقوفات وی افراد زیر مشغول بوده‌اند (Subtelny, 1991: 47).

جدول شماره ۱: مشاغل ذکر شده در وقفنامه به همراه تعداد و میزان موجب دریافتی^۱

نام عامل	تعداد	مبلغ نقدی	جنس
متولی	۱	۲۰۰۰	۲۰
مدرس	۲	۱۲۰۰	۲۴
شیخ	۱	۱۰۰۰	۱۰
حافظ	۱	۵۰۰	۱۵
واعظ	۱	۵۰۰	۱۰
خطیب	۱	۵۰۰	۱۰
نوکر	۲	۵۰۰	۵
مشرف	۱	۵۰۰	۵
طبّاخ	۱	۲۸۰	۵
طبقچی	۱	۲۰۰	۵
فراش	۱	۲۰۰	۵
خدام	۲	۲۰۰	۵
مقری	۱	۲۰۰	۵
حافظ	۵	۱۸۰	۴
دانش آموز			
سطح ۱	۶	۲۸۸	۵
سطح ۲	۸	۱۹۲	۴
سطح ۳	۸	۱۴۴	۳
جمع	۴۴	۸۵۷۴	۱۴۰

۱. مأخذ جدول: امیرعلیشیرنوبی و روزگار او، سابتلنی، ۱۳۹۵: ۱۱۰.

علیرغم این که در منابع همان دوره از جمله تذکره الشعرا دولت‌شاه سمرقندی ذکر شده که وی محلی به نام شفائیه برای بیماران و حمامی نیز در کنار مسجد، مدرسه و خانقاه بنا کرده است اما مشخص نیست که چرا در وقفنامه هزینه‌ای برای آن هادر نظر گرفته نشده است (دولت‌شاه سمرقندی، ۱۳۳۷: ۵۷۱).

■ توجه امیرعلیشیر در وقف‌نامه به برجسته‌سازی برخی از روزها از جمله به ۱۲ ربیع‌الاول روزتولد پیامبر و نیمه شعبان روز تولد حضرت مهدی (عج)، (شاید اشاره به چراغ برات در خراسان که در این روز است) جای بررسی بیشتری دارد.

در باره کارکرد موقوفات وی و اثرگذاری آن اطلاعات زیادی در منابع نیامده است و با توجه به این که امیرعلیشیر از سال ۸۹۳ تا سال ۹۰۶، که فوت می‌نماید به دفعات هرات را ترک نموده است، مشخص نیست که با توجه به متولی بودن خودش، اختیار اداره آن را به چه کسی واگذار کرده است. در نامه‌ای که در منشآت ناشناس در دوره بایقرا از فردی که به ظاهر متولی موقوفات امیرعلیشیر بوده به نگارش درآمده، به نظر می‌رسد که وضعیت مطلوب نبوده و وی برای اداره آن مشکلاتی داشته است (منشآت، ناشناس، ۷۲). آخرین گزارش در دسترس مربوط به خواندمیر است که می‌گوید در سال ۹۰۶ این مدرسه موقوفات معمور بوده و در مدرسه اخلاصیه اساتید بزرگی تدریس نموده که برخی در شهر هرات باقی مانده و برخی به شهرهای خود بازگشته‌اند (خواندمیر، ۱۳۷۸: ۶۴) (سند شماره ۴).

امیرعلیشیر نوایی و خراسان امروزی

یکی از مباحثی که در بررسی شخصیت و جایگاه امیرعلیشیر باید مدنظر قرار گیرد، مسأله اهمیت وی برای تاریخ خراسان است. درباره چگونگی ارتباط او با مشهد و ایران و اقداماتی که در خراسان انجام داده در منابع همان دوره به صورت پراکنده و در مقدمه مجالس‌النفایس به صورت مبسوط اطلاعاتی آورده شده که تحقیقات بعدی نیز از آن استفاده کرده‌اند. واقعیت این است که در خراسان چنانچه باید به امیرعلیشیر توجهی نشده و اقدامات او غیر از ساخت قسمتی از ایوان طلای حضرت رضا (ع) بقیه ناشناخته مانده است و باید تا سایر اقدامات او در خراسان مورد پژوهش و مستندسازی جدی‌تری قرار گیرد. فعالیت‌های وی به لحاظ اهمیت و ماندگاری در خراسان در خور بررسی است، اما از آن مهم‌تر، توجه به شخصیت محلی منطقه‌ای امیرعلیشیر و ارتباط آن با خراسان و خراسان بزرگ است. این امر می‌تواند در ارتباط بین خراسان با کشورهای همسایه و چشم‌اندازهای منطقه‌ای مؤثر باشد.

نتیجه‌گیری

امیرعلیشیرنوایی در زمره شخصیت‌هایی است که می‌تواند نقطه اشتراکی بین خراسان با کشورهای همسایه باشد. زادگاه اصلی و برخی از آثارش، او را به آسیای مرکزی پیوند می‌دهد و علاقه‌اش به هرات و محیطی که نشو و نما یافته و وی را به افغانستان مرتبط می‌سازد و در عین حال به خاطر اشعار نغزی که به فارسی سروده و ارتباطی که با خراسان دارد در زمره رجال تأثیرگذار خراسان بزرگ محسوب می‌شود. تعداد آثار به نگارش درآمده درباره او با توانمندی‌های فکری، فرهنگی و سیاسی‌اش همخوانی ندارد و به نظر می‌رسد پژوهشگران ایرانی بیش از اندازه تحت تأثیر مطالب زمان وی قرار گرفته‌اند. امیرعلیشیر به عنوان شخصیتی تأثیرگذار در خراسان بزرگ کمتر مورد توجه خراسان‌پژوهان قرار گرفته و برخی از جنبه‌های شخصیتی وی مانند جایگاه سیاسی او در سایه شخصیت اجتماعی‌اش کمرنگ شده است. در کنار این مساله موقوفات وی و اهمیت آن در دوره تیموریان چنانچه شایسته است مستندسازی نشده و حداقل ترجمه کامل فارسی از آن وجود ندارد. در نهایت شخصیت امیرعلیشیر در محافل علمی خراسان به لحاظ ادبی مورد توجه بیشتری قرار گرفته است و باید سعی گردد تا از ماهیت منطقه‌ای آن برای برقراری ارتباطات فرهنگی در آینده استفاده بیشتری گردد.

منابع

- بارتولد، ولادیمیرویچ (۱۳۶۰). زندگی سیاسی امیرعلیشیرنوایی، ترجمه پوهاند میرحسین شاه، کابل: دلو.
- حکمت، علی اصغر (۱۳۲۷). «امیرعلیشیرنوایی»، پیام نو، سال ۴، ش ۲.
- نوایی، علیشیر (۱۳۲۷). تذکره مجالس النفایس، مقدمه و تصحیح علی اصغر حکمت، تهران: منوچهری.
- خواندمیر، غیاث الدین بن هماد الدین (۱۳۸۰). حیب السیر، تصحیح جلال الدین همایی، تهران: خیام.
- خواندمیر، غیاث الدین بن هماد الدین (۱۳۷۸). مکارم الاخلاق، مقدمه و تصحیح علی اکبر عشیق، تهران: میراث مکتوب.
- خواندمیر، غیاث الدین بن هماد الدین (۱۳۷۲). مائزالملوک، به تصحیح میرهاشم محدث، تهران: رسا.
- خواندمیر، غیاث الدین بن هماد الدین (۱۳۱۷). دستورالوزرا، مقدمه و تصحیح سعیدنفیسی، تهران: اقبال.

دولت‌شاه سمرقندی (۱۳۳۷). تذکره الشعراء، تحقیق و تصحیح محمد عباسی، تهران: کتابفروشی بارانی.

سابتلنی، ماریا اوا (۱۳۹۵). امیرعلیشیرنویایی و روزگار او، ترجمه جواد عباسی، مشهد: طنین قلم. شکفته، صغری بانو (۱۳۸۷). شرح احوال و آثار فارسی امیرعلیشیرنویایی، تهران: الهدی. فرهانی منفرد، مهدی (۱۳۸۱). «نویایی در حکومت تیموریان»، ضمیمه‌نامه فرهنگستان، شماره ۱۲. فرهانی منفرد، مهدی (۱۳۷۸). نکته‌هایی چند درباره کمال‌الدین حسین واعظ کاشفی، مقالات و بررسی‌ها، شماره ۶۶.

محمددادی، منیره (۱۳۹۶). منشآت امیرعلیشیرنویایی، تهران: انتشارات تکدرخت. ناطق شریف، مریم (۱۳۷۶). «امیرعلیشیرنویایی و تأثیر ژرف فارسی بر ترکی»، نامه پارسی، شماره ۵. نظامی باخرزی، عبدالواسع (۱۳۵۷). منشاء الانشاء، به کوشش رکن‌الدین همایون فرخ، تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران.

نویایی، علیشیر (۱۳۷۵). دیوان امیرعلیشیرنویایی، مقدمه و تصحیح رکن‌الدین همایون فرخ، تهران: اساطیر.

ولی طوغان، زکی (۱۳۷۷). «امیرعلیشیرنویایی بزرگترین شخصیت ادبی ترک»، مترجم مریم ناطق شریف، نامه پارسی، سال سوم، شماره ۳. منشآت ناشناس تیموری، شماره ۱۶۳۵۴، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

V. Barthold (1928). Mir Alisher, **Polisbornek**, Tihseskayaia. Leningrad.

M. Belin (1861). **Literatire Sur Mir Alisher Nave**: JA.

Maria Eva Subtelny (1991). A Timurid Educational and Charitable Foundation: The Ikhlasiiyya Complex of Alishir Navai in 15th-Century Herat and Its Endowment. **Journal of American Oriental Society**, Vol111. no1.

سند شماره ۱

فرمان بخشودگی ولایت بادغیس از پرداخت وجوه و زکوٰه و عبید مواشی به استدعای امیرکبیر علیشیرنویایی^۱

چون حکمت باهره سبحانی بهر بهره‌مانه وجود خجسته ورود ما را از سایر اشباه و نظایر برگزیده و آیات عرضه جهان را به حکم سخر لکم ما فی السموات و ما فی الارض جمیعا به جانب ما مفوض گردانیده همگی همت همایون متوجه است که در جمیع ممالک محروسه بساط امن و امان در میان طبقات انام ممهد گردد و آثار عدالت و احسان درباره زمره رعایا و زبردستان در تمامت اوقات گرانمایه شایع و مستفیض باشد به تخصیص عرصه ولایت

۱. نظامی باخرزی، منشاء الانشاء، ۲۰۵-۲۰۶.

بادغیس که از معظمت ولایات مملکت خراسان است و در خلال مجاری این احوال به مسامع جلال می‌رسد که به واسطه خشکسالی و قلب محصولات و تشدد محصلان و حوالات ناوجه عمال در تمدادی مدت دو سه سال، انواع خلل به قواعد آن راه یافته و الحق انتظام جمهور هر مملکت و التیام احوال اصول سکنه هر ناحیت، برای خبیر کبیر روشن ضمیر رکن الدوله السلطانیه و عمده الملکه الخاقانیه رضی الدین امیر علیشیر منوط و مربوط است که پرتودرایت بر ساحت کفایت رعایا و زبردستان می‌اندازد به قدم تیقظ و تحفظ منازل و مراحل عدالت گستری و رعیت پروری پیموده حاجات و ملتمسات مستمندان بانجاح و اسعاف مقرون می‌سازد و بناء علی ذالک تمامی وجوه عبید و مواشی و زکوّه آن مواضع را به تمام و کمال بخشیده تعمیر تمامت آن حدود را با لواحق و منسوبات آن به دستور سایر ولایات ممالک به عهده حسن اهتمام او بازگذاشتیم و زمام استمالت و دارایی و اعانت و غوررسی سکنه و اهالی آن حدود را به قبضه اقتدار و حوزه اختیار او ارزانی داشتیم سبیل تمامت ارباب سکون و اقامت مواضع مذکوره آنکه در جمیع سوانح مصالح آن حدود مراجعت به فرموده امیر مشارالیه از مفترضات شمارند و از حکم و استصواب و جارو احضار او به هیچ باب تجاوز نه نمایند تا پیوسته راه دادخواه گشاده داشته قدم و قلم تعدی ظلمه از اذیال احوال عجزه و مستضعفان کشیده و کوتاه دارد در این باب تقصیر نه نماید و از جوانب بر این جمله بروند و چون به توقیع وقیع اشرف اعلی مزین و محلی گردد اعمال نماید.

سند شماره ۲

فرمان پرداخت یکصد هزار دینار کپکی نقد و سایر تشریفات گرانمایه به رسم جایزه، درباره امیر کبیر علیشیر نوایی به مناسبت تدوین دیوان ترکی که به پیشگاه سلطان حسین میرزا بایقرا تقدیم داشته بوده است^۱

نواب دیوان فرخنده ورود که نظم سلسله مهمات مالی و ملکی از مطلع تا مقطع آراسته صنایع و بدایع شعور و اشعار ایشان تواند بود بدانند که:

مختار ایوان امارت و شاه بیت دیوان بصارت که مطلع نعمت کمالش مقرب الحضرت السلطانیه است و تخلص منقبت خجسته مالش مؤتمن الملکه الخاقانیه نظام الدین امیر علیشیر که دیوان اشعار خود را که مشتمل است بر تدوین منظومات ترکی که هیچ فهم سخن در زبان پارسی با وجود دقت نظر به جزالت الفاظ و غرایب معنی آن نرسد، مصدر دیباچه سحر آیین که با القاب همایون

۱. نظامی باخرزی، ۱۳۵۷: ۲۰۶-۲۰۷.

و دعای الفاظ دوام دولت روزافزون ما موشح گشته بود، گذرانیده و لامحاله تا متکلم حکیم جدت کلمته نسخه ماجتنبت اعراف از نظم همایون کاف با نون حسن مطلع ارزانی داشته اوراق دوا این ایجاد و تکوین را به چنین اشعار اشعار نگاشته.

کس نه می داند که این نوع سخن را نام چیست
نی نبوت می توانش خواندن آن نی ساحری

عجالة الوقت مبلغ یکصد هزار دینار کیکی از نقد وجوه با سایر تشریفات گرانمایه که در این ولا از دیوان احسان برسم جایزه تخلص بنام او یافته مضاف گردانیده و تطرق آثار به هیچ وجه جایز ندارند.^۱

سند شماره ۳

از زبان خواجه مجدالدین محمد خوافی به امیر نظام الدین علیشیر نوشته در تهنیت مهرداری و معذرت هواداری

برگزیده که مهیمن مراد بخش عظم سلطانه درجه منقبت او را باوج ورفعناه مکانا علیا رسانیده باشد رفعت منزلت جنان صاحب دولتی برتران تواند بود که عنصر همایون او را بتجدید مناصب مناسب و اگر همه تشریف پروانچه اختیار احکام الجزو الکل بیدیک باشد تهنیت گویند عالم بنزد اهل خرد پس محقر است با افتاب قدر تواز سایه کمتر است و چون بحکم حکم الاصلیل یُسری فی الفروع مهر مهر تربیت و نوازش نقش نگین خاطر بسیار بخشایش ساخته افتاده کوی نیاز را از خاک مذلت برداشته اند و در عتبه خلافت قدر و منزلت قصری بقصور منصف بتقصیر متصف را باوج عزت و کرامت افزاشته مراسم منت بی صُنّت لازم و متحتم است اما جز بخاموشی چگوید سنگ شکر آفتاب سلیمان ذو ملک تفقد هددا امیدواری بلطایف عواطف حضرت باری آنکه هر نوع التفاتی که در باب تربیت و تمشیت این بی بضاعت ارزانی فرمایند متبّع اصناف دوستکامی و افراد نیکنمای گشته بمرو از من و اعصار مطرح اقطار امالی امم و عطرسای محافل اکابر و امثال عرب و عجم کرده الحق بیت فیض روح القدس از باز مدد فرمایند دیگران هم بکنند آنچه مسیحا می کرد و جون بمقتضای فحوای ﴿وَ لِكُلِّ وَجْهٍ هُوَ مُوَلِّیْهَا﴾^۲ قبله هر سویی جماعت سویی و محراب هر جماعت طاق ابرویست که رو بسوی تونیارم بکه آرم و التکلان علی ملک المتعال اذ بیده ازقه آلامال و ایضا منه الیه عرضه داشت بنده حرمان دیده انتظار کشیده آنکه در خلال این احوال بفیض فضل ایزد متعال صیت بشارت شرف معاودت عالی بمسامع مجامع مملکت پیوسته حضرت سلطانی سلیمان مکانی باستماع آن خبر فرخنده اثر آن مقدار آثار بهجت و استبشار فرمود که شرح شمه ازان مقدور قلم بکسور اللسان بتواند

۱. نظامی باخرزی، ۱۳۵۷: ۲۰۸-۲۰۷.

۲. سوره بقره آیه ۱۴۸.

بوداما تفصیل احوال خجسته مآل مسرت و ابتهاج بنده خاص واجب الاخلاص چون بعیان صریح مشاهده خواهد گشت بعرض مجملی ازان مجال تصدیع و ابرام ندارد بدین مژده گرجان فشانم رواست که این مژده آسایش جان ماست «وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ» و چون بیش ازوصول عید همایون اثر نشاط و شادکامی این نوع خبر بر صفحات احوال همگنان ظاهر گشته دیده انتظار دیده بر شاه را امید یست که هر چند زودتر دریافت شرف این امانیت بحصول پیوندد حق سبحانه جمهور بندگان آرزومند را علی اقرب الاحوال بدین دولت سرافرازگرداناد و بالنبتی و آله و ایضا.